

واکاوی فقهی قرض و دین در قراردادهای بانکی

چکیده

با بررسی اهداف و ساختار بانک‌های سنتی به این نتیجه می‌رسیم که این سیستم دارای اهدافی است که آنها را از طریق یک قالب حقوقی مشخص محقق می‌کند. هدف و مأموریت بانک این است که بین افرادی که مازاد منابع نقدی دارند و افرادی که با کسری منابع مواجه هستند، رابطه برقرار کند و از این طریق موجب رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال شود. با این حال مشکل بانک سنتی این است که این اهداف را از طریق قالب حقوقی قرض ربوی محقق می‌کند، درحالی‌که قرض از نظر اسلام قراردادی تملیکی، خیرخواهانه و غیرانتفاعی است و شرط اخذ هرگونه منفعتی در قبال آن جایز نیست. ما در این جستار به روش مطالعه‌ی کتابخانه‌ای، و جمع‌آوری داده، در جستجوی پاسخ به پرسش، و مسئله‌ی اصلی نظیر: چگونگی حکم قرض و دین در بانکداری اسلامی از نظر فقه پرداخته‌ایم. همچنین در این میان به پرسش‌های فرعی پیش‌آمده نظیر: چالش‌های حیل‌های فرار از ربا، میزان درصد کارمزد جایز برای قرض پرداخته-ایم. قانون عملیات بانکی بدون ربا، تعیین میزان حداقل و حداکثر کارمزد قرض‌الحسنه را برعهده بانک مرکزی گذاشته است. این میزان در دستورالعمل موجود بانکداری جمهوری اسلامی ایران، حداقل ۲/۵ درصد و حداکثر ۴ درصد است، مشروط بر اینکه از هزینه‌های تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه تجاوز نکند. امام درمورد حیل در این باب، که ربا را غیر ربا کنند، بیان داشتند که در واقع از ربا فرار نکردیم بلکه معامله را که مثل به مثل بود تغییر دادیم و عوض کردیم، و اما تخلّص از ربا به هیچ یک از حیل‌هایی که گفته‌اند جایز نیست.

کلمات کلیدی: قرض، دین، بانکداری، قرض‌الحسنه، قرض ربوی، قرض غیر ربوی. فقه

مقدمه

یکی از اهداف اساسی انقلاب اسلامی در ایران حذف ربا و بهره از نظام بانکداری بود؛ لذا پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بر لزوم اسلامی شدن عملکرد بانک‌ها تأکید شد. بعد از طرح و اجرای بانکداری بدون ربا در ایران، و دانشمندان مسلمان به فکر طراحی ابزارهای مالی اسلامی نیز افتادند.

۱_ کلیات و تعاریف

۱_۱ دین

دین تکلیفی است که شخص نسبت به اجرای مفاد حق مالی در برابر صاحب آن پیدا می‌کند. (قاسم-زاده، ۱۳۹۸: ص ۷۹) و عبارت است از مال کلی ثابت در ذمه یک فرد به نفع دیگری که سبب آن یکی از اسباب «دین» است. به کسی که مال بر گردن اوست، مدیون یا مدین و به صاحب حق، دائن یا غریم گویند. (حلی، ۱۴۰۵: ص ۲۸۳)

۱_۲ قرارداد بانکی

مفهوم لغوی قرارداد شامل عقود عهدی و تملیکی و مالی و غیرمالی و معوض و غیرمعوض است و نیز شامل موافقت‌هایی است، که به منظور منتفی ساختن اثر موجودی محقق می‌شود، و ماده ۷۵۴ قانون مدنی به همین وسعت به کار رفته است. چون صلح در لغت به معنای مطلق توافق و تسالم است و در نهایت هر نوع توافقی که عنوان یکی از عقود معین را نداشته باشد صلح است، و خود صلح جزء عقود معینه در فقه اسلام نبوده است و قانون مدنی هم اقدامی نکرده است. که آن را در اعداد عقود معینه درآورد و لغت صلح در صدر ماده ۷۵۲ قانون مدنی بر همان معنی (یعنی تسالم و توافق) باقی مانده است، و شارع اسلام و مقنن قانون مدنی تغییری در مفهوم لغوی آن نداده‌اند. (جوادی، ۱۴۰۱: ص ۱۵)

با ایجاد قرارداد حساب بانکی، حسابی به نام متقاضی به نام بانک افتتاح می‌شود. مطابق با مفاد این قرارداد و قصد طرفین قرارداد بانک متعهد می‌شود کلیه وجوهی را که دارنده حساب یا اشخاص ثالث قصد دارند به این حساب نزد صاحب حساب واریز کنند، بپذیرد و بر این اساس، صاحب حساب حق واریز وجه به این حساب را دارد. همان وجوه به حساب بانک واریز می‌شود و بانک معادل وجوه دریافتی را به حساب صاحب حساب دریافت می‌کند. بنابراین صاحب حساب حق خواهد داشت در هر زمان با صدور چک، همان وجوه را از بانک مطالبه کند و بانک متعهد خواهد بود. از جمله تعهدات فوق، تنها تعهد بانک به قبول انتقال وجوه تعهدی بوده و صرفاً با انعقاد قرارداد قابل پرداخت و سایر تعهدات مندرج در این قرارداد است. (mahmoodi et, al, 1398:145)

۱_۳_۱ قرض

قرض عبارت است از: «عقدی است که به موجب آن یکی از دو طرف معامله مقداری معین از مال خود را به طرف دیگری تملیک می‌کند که طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار، جنس و وصف رد نماید و یا در صورت تعذر می‌بایست مثل قیمت یوم‌الرد را بپردازد.» (نوری، ۱۳۲۰ق، ص ۳۲۸) طبیعت قرض این است که انسان پول را، سرمایه را، مملوک خودش را از عینیت خارج می‌کند و به آن ذهنیت و اعتباریت می‌دهد. وجود اعتباری می‌دهد. خاصیت وجود اعتباری این است که تلف و زیان در آن معنی ندارد... بیعت قرض و طبیعت وجود اعتباری دادن مثل یک نوع بیمه کردن است... از نظر سود و زیان دادن... اصلاً وجود اعتباری انتاج ندارد. انسان وقتی که چیزی را به عنوان قرض به کسی می‌دهد از نظر حقوقی آن را از اثر انداخته، از تلف حفظ کرده و به‌طور کلی از اثر مثبت و منفی انداخته است. اینکه کسی چیزی را قرض بدهد و بعد سود آنچه را که در ذمه طرف است بخواهد، اساساً غلط است. سود، متعلق به عین است و عین هم متعلق به مقترض است. (خادمان، ۱۳۹۸: ص ۱۶۸۵)

با این وجود سوا از بحث سود و منفعت پرداخت به مسائل شرعی در این قبیل موضوعات ضروری است. به عنوان مثال مبحث ربا، که در شرع اسلام به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مفاصد اقتصاد مطرح است که عموماً در قرض مصداق پیدا می‌کند و از سویی قرض به‌عنوان یکی از روش‌های تجهیز و تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا برای ایران مورد استفاده است؛ لذا به نظر می‌رسد که مراقبت از قراردادهای قرض جهت جلوگیری از ایجاد ربا یا شبهه آن ضروری باشد. استفتائات صورت گرفته از مراجع عظام تقلید و نظراتی که ایشان درباره عملکرد بانک‌ها و برخی صندوق‌های قرض‌الحسنه ابراز داشته‌اند، ایرادات مهمی در بکار بردن قرض در سیستم تأمین مالی کشور را ثابت می‌کند. (لشکری و همکاران، ۱۳۹۴: ص ۵۶)

۱_۳_۱ قرض ربوی

در بانکداری متعارف ربوی سپرده‌گذاران هیچ مسئولیتی در قبال فعالیت‌های بانک ندارند و نتایج عملیات بانکی سود باشد یا ضرر، هیچ فرقی برای آنان ندارد و بانکدار متعهد است در هر وضعیتی اصل سپرده و بهره آن را در موعد مقرر به سپرده‌گذار بپردازد. در بخش اعطای وام هم، وقتی بانک وام می‌دهد، رابطه مالکیتی خود را از آن وام قطع کرده و به مالکیت متقاضی در می‌آورد و او متعهد می‌شود در سررسیدهای معین اصل وام و بهره آن را به بانک برگرداند. نظام بانکی ربوی سعی کرده صنعت بانکداری را از درگیر شدن با اقتصاد حقیقی دور کند. به طوری که در اکثر کشورها، بانک‌ها از سرمایه‌گذاری مستقیم در فعالیت‌های اقتصادی، خرید سهام شرکت‌ها، حتی خرید اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام منع شده‌اند. (هادوی‌تهرانی، ۱۳۸۷: ص ۲۱۸)

۱-۳-۲ قرض غیر ربوی

در ساختار غیر ربوی علاوه بر آنکه بانک‌ها و مردم به یکدیگر متعهد بوده و مسئولیت دارند، بانک‌ها در چرخه اقتصادی نیز فعالیت دارند تا بتوانند پاسخگوی سپرده گذاران باشند. (هادوی تهرانی، ۱۳۸۷: ص ۲۱۰) قرض غیر ربوی دو نوع است: ۱: قرض الحسنه ۲: قرض غیرحسنة

الف) قرض الحسنه

«قرض الحسنه» نوع خاصی از قرض است. اگرچه قرض الحسنه از جهت فقهی و حقوقی تحت عقد قرض مطرح می‌شود و همان احکام را دارد، تحقق آن شرایط خاصی دارد که آن را از دیگر موارد قرض جدا می‌کند. (کیقبادی و عرب‌مازار، ۱۳۸۵: ص ۱۵) مطابق آیات و روایات قرض الحسنه نیز قرض بدون بهره‌ای است که فرد نیکوکاری در اختیار نیازمندی قرار می‌دهد تا با استفاده از ارزش زمانی پولی، فرد نیازمند، احتیاج خود را تأمین کند. (حاتمی و امینی، ۱۳۹۵: ص ۱۳) تصحیح، تکمیل و توسعه قرض الحسنه در جامعه اسلامی به معنای گام برداشتن در جهت تحقق یکی از مهم‌ترین اهداف نظام اقتصاد اسلامی یعنی رفع نیازهای مادی افراد جامعه و ریشه کن کردن فقر از جامعه اسلامی است. (کیقبادی و عرب‌مازار، ۱۳۸۵: ص ۱۵)

ب) قرض غیرحسنة

قرضی که به نیت‌های غیر الهی داده شده باشد و در عین حال زیاده‌ای در کار نباشد. مانند: قرض به امید زیاده با جهت آسان شدن نقل و انتقال پول (در حساب جاری) یا جهت حفظ پول بخشیده می‌شود. حلال ولی بدون ثواب است. (خمینی، ۱۳۸۹: ص ۷۴۳)

۲- تفاوت بانکداری ربوی و غیر ربوی

به عقیده صاحب نظران اقتصاد اسلامی، عنصر اساسی در اختلاف تناقض بانکهای ربوی و بانکهای بدون ربا در این است که بانک ربوی سپرده‌های مردم را جذب می‌کند و در برابر آن به آنها بهره می‌پردازد و همچنین به عده‌ای قرض می‌دهد و مقداری بیشتر از آن، بهره دریافت می‌کند، که از این دو محل به عنوان سپرده‌گذاری در مقابل بهره و قرض یاد می‌شود و در مقابل، بانک بدون ربا بهره را در هیچ یک جایز نمی‌داند و عقود شرعی مناسبی را جایگزین آن کرده است. (حاتمی و امینی، ۱۳۹۵: ص ۵) تفاوت‌های دو نوع بانکداری ربوی با غیر ربوی عمدتاً در مسئله تجهیز منابع و اعطای تسهیلات می‌باشد. روش‌های تجهیز منابع در بانکداری بدون ربا عبارتند از:

۱- سپرده‌های قرض الحسنه جاری؛ که مانند سایر بانک‌ها، ماهیت قرض دارد، و اشخاص حقیقی و حقوقی می‌توانند با افتتاح حساب قرض الحسنه جاری، وجوه مورد نظر خود را به بانک سپرده و دسته چک دریافت کنند و سپس از طریق نوشتن چک به هر اندازه و به هر صورتی که مایل باشند، مطابق مقررات بانک از موجودی خود برداشت کنند. به موجودی این گونه حساب‌های سودی تعلق

نمی‌گیرد و وجوه این حساب به مقتضای عقد قرض به مالکیت بانک در آمده و جزء منابع بانک خواهد بود و در نتیجه بانک‌ها می‌توانند از طریق عقود بانکی، سرمایه‌گذاری کرده و کسب سود کنند.

۲- سپرده قرض‌الحسنه پس‌انداز؛ که این حساب نیز ماهیت قرض دارد که افراد سپرده‌گذار با دریافت دفترچه پس‌انداز حق برداشت از حساب خود را در هر زمان دارند. وجوه این حساب نیز به مالکیت بانک در آمده و بانکها بخشی از آن را به اعطاء قرض‌الحسنه و بخشی دیگر را از طریق عقود و تشویق مردم به پس‌انداز، پاره‌ای از اولویت‌ها، امتیازات و جوایز نقدی و غیر نقدی به صاحبان این حساب‌ها می‌پردازند.

۳- سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار؛ که این سپرده‌ها را افراد به قصد انتفاع از سرمایه نقدی خود در بانک سپرده‌گذاری می‌کنند. اشخاص حقیقی یا حقوقی، سرمایه نقدی خود را با عنوان وکالت به بانک تحویل می‌دهند و بانک بعد از کسر ذخایر احتیاطی، مابقی را از طریق عقود بانکی سرمایه‌گذاری می‌کند. بانکها بازپرداخت اصل سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار را متعهد می‌شوند، ولی میزان سود از ابتدا معلوم نیست، بانکها بعد از پایان دوره مالی، سود واقعی را محاسبه کرده و بعد از کسر سهم بانک و حق‌الوکاله بانک، مابقی را به عنوان سود قابل تقسیم، بین صاحبان سپرده‌های سرمایه‌گذاری تقسیم می‌کنند. (هادوی تهرانی، ۱۳۸۷: ص ۲۱۸)

۳_ دین در بانکداری ایران

بعد از طرح و اجرای بانکداری بدون ربا در ایران و بسیاری از کشورهای اسلامی، دانشمندان مسلمان به فکر طراحی ابزارهای مالی اسلامی نیز افتادند و توانستند با رعایت ضوابط و مقررات شرعی، انواعی از ابزارهای مالی را به نام صکوک طراحی کنند. بنابراین یکی از ابزارهای مالی مزبور در بانکداری بدون ربا، عقد خرید دین است که اولین مستند آن در نظام بانکی ایران، مصوبه چهارصد و هفتاد و یکمین جلسه مورخ ۲۶ آبان ۱۳۶۱ شورای محترم پول و اعتبار، با عنوان «آیین‌نامه موقت تنزیل» شامل نه ماده و یک تبصره است. این مصوبه همچنین در راستای تأمین نقدینگی کوتاه مدت واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی از طریق تنزیل اسناد و اوراق تجاری ناشی از دین واقعی بود که مشمول قانون عملیات بانکی بدون ربا قرار نگرفت و به سبب استفاده نادرست و ارائه اسناد صوری از سوی برخی متقاضیان بانک مرکزی دستور توقف عملیات خرید دین را صادر کرد. البته باید توجه داشت که از اواخر سال ۱۳۸۱ استفاده از این ابزار بار دیگر از سوی بانک مرکزی مجاز اعلام شد، اما پس از آن مستند قانونی عقد خرید دین در نظام بانکی ایران دستورالعمل اجرایی موصوب ۱۶۰۸مین جلسه شورای محترم پول و اعتبار، مورخ ۴ شهریور ۱۳۸۵ مشتمل بر ۹ ماده است. (قاسم‌زاده، ۱۳۹۸: ص ۷۹)

۴_ شروط ربا

مطابق تعریف روایات صحیح، قرارداد قرض زمانی مبتلا به ربا می‌شود که در آن شرط زیادی بشود؛ در غیر این صورت ربا نیست. ماهیت و جوهر ربای قرضی، گرفتن زیاده به عنوان یکی از دو عوض و یا تابع آن است؛ به گونه‌ای که سبب مستقل برای آن قابل فرض نباشد. سبب گرفتن پول دوم، تقصیری است که بدهکار در ادای دین مرتکب شده و از این راه به طلبکار خسارت زده است. پس وجه دریافتی، عوض اضافی در برابر دین نیست؛ بلکه التزامی جداگانه است که سبب آن تقصیر بدهکار است؛ یعنی سبب مستقل و ویژه و مشروع خود را دارد و بدل زاید بر اصل نیست تا واکل مال بالابطال» باشد، به عبارت دیگر آنچه این شرط را محقق می‌کند عنوان «تخلف» است و نه «تأخیر» و شرط آن گاه که نه به عنوان جزء بلکه صرفاً تقیید بر اعاده قرض باشد خارج از عقد است و ربا محسوب نمی‌شود.

توضیح آنکه در وجه التزام، بانک شرط نمی‌کند که مشتری در سررسید چیزی بیش از آنچه را قرض کرده است بپردازد، بلکه همان طور که می‌تواند برای اطمینان از وصول بدهی، وثیقه بگیرد و یا ضامن مطالبه کند، همچنین می‌تواند برای الزام مدیون به وفای دین در سررسید مقرر او را متعهد کند که در صورت نقض عهد و تخلف از پرداخت به موقع، مبلغی را به عنوان جریمه بپردازد، به عبارت دیگر این شرط، شرط مصلحت است به شرط منفعت؛ بنابراین اگر افراد بیش از انعقاد عفردی که به دیون منجر می‌شوند از مقررات خسارت تأخیر و جریمه مدیون مامطل آگاهی داشته باشند همین آگاهی، شرط تلفی شده و اجرای آن الزامی است.

همچنین در بانک‌ها شرط جریمه همیشه در قرارداد فرض نیست تا فرض ربوی بشود. بلکه بیشتر تسهیلات بانکی بر اساس قراردادهای فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک برای سلف، جعاله، خرید دین، مضاربه، مزارعه، مساقات و مشارکت مدنی است و قرارداد فرض تنها پنج تا ده درصد تسهیلات بانکی را تشکیل می‌دهد. (حسینی، ۱۳۹۶: ص ۱۴۲)

۵_ جواز اخذ بهره‌ی غیرمشروط

ائمه‌ی هدی علیهم السلام در روایات متعددی به این اصل مهم اشاره می‌کنند که لزوماً کسب هر گونه بهره از قرارداد قرض ربا نیست، بلکه این اشتراط بهره است که منجر به ربوی شدن قرارداد قرض می‌شود. به عبارت دیگر مبرا دانستن نظام اقتصادی اسلام از هر گونه بهره ادعای نادرستی است. (ناجی، ۱۳۹۸: ص ۴۸۹)

جدول شماره ۱

جواز اخذ بهره‌ی غیرمشروط

روایت ۱:	از امام (ع) سوال کردم که من یکصد درهم به طور شمارش عددی از کسی طلب داشتم، ولی او یکصد درهم به حساب وزن به من داد. (گاهی درهم‌ها وزنش کمتر از معمول بود، بنابراین کسی که مطابق وزن دین خود را ادا می‌کرد، چیزی بیشتر از مقداری که گرفته بود می‌داد.) امام (ع) فرمود: ضرری ندارد. سپس افزود: ربا به خاطر شرط سود در متن قرارداد به وجود می‌آید و شرط آن را فاسد می‌کند. (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۹۰)
روایت ۲:	حلبی گوید: از امام ششم علیه السلام سوال کردم مردی مبلغی درهم از شخصی وام می‌گیرد با تعداد معین، و چون قرض خود را می‌پردازد درهم هم وزن می‌دهد و می‌داند که آنچه می‌دهد وزنش بیشتر است از آنچه گرفته و این کار را به طیب خاطر و به دلخواه خود می‌کند و نظر دارد که به قرض دهنده منفعتی برساند. امام فرمود: اشکالی ندارد در صورتی که شرطی در میان باشد ولو همه را به او بخشد درست است. (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۹۱)
روایت ۳:	امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه پولهای نقره‌ای را وام دادی و بهتر از آن را برای تو آورد، حرام نیست به شرط این که قراردادی روی این کار در میان نباشد. (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۹۱)
روایت ۴:	محمدبن قیس از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: کسی که به دیگری درهم‌هایی را قرض می‌دهد، جز برگرداندن مثل آن را شرط نکند. پس اگر بهتر از آن به او بازگردانده شد بپذیرد. (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۵۸)
روایت ۵:	اسحاق بن عمار گوید: به امام هفتم (ع) عرض کردم شخصی نزد کسی مالی دارد که به او قرض می‌دهد و مدت وام طول می‌کشد و از این مال چیزی عاید صاحبش نمی‌شود. از این رو بدهکار گاهی هدیه‌ای برای او می‌فرستد مبادا مالش را پس بگیرد. بر او حلال است؟ فرمود: اگر با هم شرط نکرده باشند اشکالی ندارد. (همان)

جدول شماره ۲

استحباب پرداخت زیاده

روایت ۱:	امام صادق علیه السلام در مورد کسی که به رضایت و دلخواه خود زیاده‌ای بر فرض پرداخت می‌کنند می‌فرماید: آیا بهترین قرض آن نیست که فایده‌ی دنیوی داشته باشد؟ (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۵۵)
----------	--

روایت ۲: ابی‌مریم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: هر وقت بر عهده پیامبر شتر دوساله‌ای بود، شتر چهارساله عطا می‌کرد. (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۱۹۳)

روایت ۳: محمدبن مسلم به امام صادق علیه السلام عرض کرد: فقهاء ناحیه‌ی ما می‌گویند هر فرضی که منفعتی تحصیل کند فاسد است، امام علیه السلام فرمود: آیا بهترین فرض آن نیست که فایده‌ی دنیوی هم داشته باشد؟ (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۵۵)

روایت ۴: از امام صادق علیه السلام سوال شد اگر وام سودی داشته باشد چگونه است؟ فرمود: بهترین وام آن است که سودی جلب کند. (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۵۶)

۶_ فقه امامیه و بانکداری اسلامی و قرض و دین

با بررسی اهداف و ساختار بانکهای سنتی به این نتیجه می‌رسیم که این سیستم دارای اهدافی است که آنها را از طریق یک قالب حقوقی مشخص محقق می‌کند، هدف و مأموریت بانک این است که بین افرادی که مازاد منابع نقدی دارند و افرادی که با کسری منابع مواجه هستند، رابطه برقرار کند و از این طریق موجب رونق اقتصادی و ایجاد اشتغال شود. (حاتمی و امینی، ۱۳۹۵: ص ۱۰) اصل حرمت ربا که یک اصل کلی است دارای قلمرو خاصی است و به این معنا نیست که هر جایی که بهره و ربا صدق کرد پس آن معامله حرام باشد. بلکه کلیه منافع و بهره و انتفاع آزاد است؛ مگر در دو جا، الف: ربا قرضی ب: ربا معاملی هم جنس. منظور از «ربا قرضی» آن است که طرفین قرض حق ندارند شرط زیاد، در بازپرداخت یا پرداخت قرضی بنمایند. منظور از «ربا معاملی» آن است که در تبادل اجناس با یکدیگر، اگر عوضین هم جنس باشند، باید عوضین از حیث مقدار مساوی باشند. لذا فقط در اجناس مکیل و موزون مورد نظر است و در سایر اشیاء معدود و غیرمعدود می‌توانند از حیث مقدار متفاوت باشند. پس ربای معاملی در عوضین هم جنس که از حیث کیل یا وزن، متفاوت باشند مطرح است.

فقه‌های اسلامی، خصوصاً فقه‌های شیعه، در باب قرض بیشتر به بیان احکام قرض پرداخته‌اند تا به تعریف آن و اساساً در کتبی نظیر: جواهرالکلام، لمعه، شرح لمعه و حتی مفتاح‌الکرامه؛ تعریفی از قرض دیده نمی‌شود. ولی در بحث ایجاب و قبول و کیفیت الفاظ ایجاب از یک سو و در بحث فوق میان قرض، بضاعه و مضاربه از سویی دیگر به گوشه‌ای از تعریف قرض پرداخته‌اند. و یا در فرق قرض و دین که یکی دیگر از عنوان‌های مصطلح این باب در فقه است چنین تفاوت قایل شده‌اند: فقه‌های اسلامی با توجه به عرفی بودن مفهوم قرض و نبودن اختلاف در آن ظاهراً برای خود لازم نمی‌دیده‌اند که به تعریف آن بپردازند لذا اکثراً از آن صرف نظر نموده‌اند در متن احادیث شیعه نیز قرض تعریف نشده است. (نوری، ۱۳۲۰ق، ص ۳۲۸) به طور خلاصه می‌توان گفت، شرکت در قانون

مدنی ایران، حول مشارکت در اموال فقط بحث می‌کند و بحثی از مشارکت در خدمات و غیره ندارد. (ی.و.نسک، ۱۹۳۶: ص ۲۱۶)

۷- حکم فقهی کارمزد جایز برای قرض الحسنه

یکی از مباحث چالشی در نظام بانکداری بدون ربا، فقدان شفافیت در ابعاد فقهی برخی عملیات بانکی است. یکی از این موارد ماهیت و نحوه تعیین کارمزد قرارداد قرض الحسنه است. این موضوع به دلیل حساسیت عقد قرض در ایجاد شبهات ربوی، دارای اهمیت بیشتر برای نهاد حاکمیت، کارکنان و مشتریان نظام بانکی از منظر اعتقادات اسلامی است. قرارداد قرض بین بانک و مشتری و حاکم بودن رابطه دائن و مدیون و اخذ مبلغ اضافی، شبهاتی را برای برخی متفکران و کارشناسان بانکداری و مشتریان به وجود آورده است. قوانین جذب منابع قرض الحسنه در نظام بانکی کشور که در آن، اعطای جایزه توسط بانک‌ها مجاز می‌باشد، کارمزد اخذ شده از مشتری به اندازه مزد یا هزینه کار انجام شده بابت هزینه‌های جذب منابع و هزینه‌های غیرعملیاتی نظام بانکی که در قانون عملیات بانکی بدون ربا نیز تصریح شده است، می‌توانند ابعاد فقهی متنوعی داشته باشند. جهت تبیین ماهیت حقوقی کارمزد تسهیلات قرض الحسنه بانکی، ابتدا به بررسی روایات ناظر بر ربا و فتاوی فقهای امامیه در خصوص کارمزد پرداخته می‌شود تا شمول یا عدم شمول عنوان ربا نسبت به کارمزد تبیین شود. (موسویان و کشاورزیان، ۱۳۹۸: ص ۱۰۰)

قانون عملیات بانکی بدون ربا، تعیین میزان حداقل و حداکثر کارمزد قرض الحسنه را برعهده بانک مرکزی گذاشته است (ماده ۲۰، بند ۴). این میزان در دستورالعمل موجود بانکداری جمهوری اسلامی ایران، حداقل ۲/۵ درصد و حداکثر ۴ درصد است، مشروط بر اینکه از هزینه‌های تجهیز و تخصیص منابع قرض الحسنه تجاوز نکند. این رقم، درباره قرض الحسنه‌های اعطایی به کارکنان بانک‌ها ۱٪ است. نحوه محاسبه کارمزد قرض الحسنه بدین گونه است که در ابتدای هر سال، مانده قرض الحسنه در نرخ کارمزد و نسبت مدت آن بر حسب ماه ضرب می‌شود. به عبارت دیگر، میزان کارمزد تابعی از مقدار اسمی مبلغ قرض الحسنه و تعداد اقساط است. برای مثال اگر کسی به میزان ۱۵۰۰۰/۰۰۰ ریال وام قرض الحسنه از بانک با اقساط ۳۰ ماهه و با نرخ ۴ درصد دریافت کند، هر ماه مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال از اصل وام می‌پردازد. علاوه بر این، کارمزد سال اول، ۶۰۰/۰۰۰ ریال، سال دوم، ۳۶۰/۰۰۰ ریال و سال سوم، ۶۰/۰۰۰ ریال می‌باشد؛ یعنی وام گیرنده باید در مجموع مبلغ ۹۶۶/۰۰۰ ریال به عنوان کارمزد به بانک بپردازد. (بیدار، ۱۳۹۱: ص ۹۹)

۱-۷ فتاوی فقهای امامیه در باب کارمزد

امام خمینی (ره) در باب قرض بانکی ابتدا بیان داشته‌اند که پول گذاشتن در بانک و وام گرفتن اشکال ندارد و زیادی اگر حقیقتاً کارمزد باشد با توافق طرفین مانع ندارد؛ ولی بهره وام ربا و حرام

است و با تغییر نام حلال نمی‌شود. (موسویان و کشاورزیان، ۱۳۹۸:ص ۱۲۴) فاضل لنکرانی و مکارم شیرازی نیز از قائلین این نظریه می‌باشند. گفتنی است که این گروه از فقها، دریافت کارمزد را به طور مطلق جایز نمی‌دانند، بلکه وجود سه شرط زیر را برای جواز آنچه به عنوان کارمزد دریافت می‌گردد، الزامی دانسته‌اند:

الف. حقیقتاً کارمزد باشد و بهانه و پوششی برای دریافت ربا محسوب نگردد.

ب. به مقدار متعارف (به اندازه مخارج صرف شده)، باشد نه بیشتر.

ج. با توافق و رضایت طرفین صورت گیرد.

همچنین آیت‌الله مکارم بیان داشته‌اند: «هرگاه کارمزد در حد حقوق کارمندان و هزینه‌های جاری باشد. جائز است؛ خواه کارمندان به صندوق ببخشند یا آن را بگیرند. (بیدار، ۱۳۹۱:ص ۹۹) آیت‌الله خامنه‌ای چنین نظر داده‌اند: «کارمزد به عنوان مخارج صندوق، گرفته می‌شود؛ لذا مسئولان محترم صندوق باید طوری محاسبه کنند که کارمزد به مقدار هزینه‌های جاری صندوق مانند آب و برق و حقوق کارمندان و امثال آن باشد. حال اگر این محاسبه صورت گرفت و احیاناً مبلغی اضافه آمد، مصرف آن بستگی به نظر مسئولان صندوق دارد.»

آیت‌الله تبریزی: «گرفتن زیادی از مقدار قرض جایز نیست. گرچه به عنوان کارمزد باشد و راه مشروع گرفتن زیادی آن است که صاحبان قرض‌الحسنه، دفترچه‌هایی به عنوان دفترچه اقساط مثلاً تهیه کنند که فی‌نفسه مالیت داشته باشد و هریک از آن دفترچه‌ها را به متقاضی قرض‌الحسنه به همان زیادی که می‌خواهند از او بگیرند، بفروشند و در ضمن بیع شرط کنند که صندوق قرض بدون سود بدهد، والله العالم.» (موسویان و کشاورزیان، ۱۳۹۸:ص ۱۰۳)

در نظام بانکی کشور، برخی شرایط سه‌گانه، که برای جواز شرعی دریافت کارمزد بیان شده‌اند، رعایت نمی‌گردد: یکی از این شرایط، زیاده‌دریافتی حقیقتاً کارمزد باشد. حال آنکه محاسبه آن بر حسب درصدی از مبلغ وام و تبعیت از مبلغ اسمی، مفهوم کارمزد بودن آن را به حاشیه رانده است؛ زیرا اگر کارمزدها به صورت درصد معین و مشخصی از مبلغ کل قرض‌الحسنه در نظر گرفته شوند، آنچه به ذهن تبادر می‌شود، این است که آن مبلغ اضافی به عنوان هزینه و قیمت پول، منظور و لحاظ گردیده است؛ زیرا تفاوت چندانی بین هزینه‌های ناشی از یک وام یک میلیون تومانی، با یک وام ده میلیون تومانی مشاهده نمی‌گردد. حال آنکه کارمزد دریافت شده در قبال وام ده میلیون تومانی، ده برابر کارمزد وام یک میلیون تومانی است.

پس درصدی کردن کارمزد نسبت به مبلغ قرض از توجیه قابل قبولی برخوردار نیست. امام خمینی (ره) در پاسخ به سؤالی درباره حکم دریافت درصد بسیار کم (مانند ۱٪) به عنوان کارمزد توسط صندوق‌های قرض‌الحسنه برای تأمین مخارج صندوق می‌فرمایند: درصد، کارمزد نیست هرچند کم

باشد و بهره پول حرام است، گرچه به اسم کارمزد گرفته شود. نتیجه اینکه، فرمول محاسبه کارمزد تسهیلات قرض الحسنه، هیچ تفاوتی با فرمول محاسبه سود ربوی در نظام بانکی متعارف دنیا ندارد. تنها تفاوت در این میان، تغییر نام نرخ بهره در بانکداری ربوی، به نرخ کارمزد در بانکداری بدون رباست. این تغییر نام مشکلی را حل نمی‌کند؛ زیرا عرف مردم در بازار کار چنین محاسبه‌ای برای تعیین کارمزد خودشان انجام نمی‌دهند. (بیدار، ۱۳۹۱:ص ۱۰۱)

شهید مطهری نیز بیان داشتند: راز تحریم ربای قرضی نیز آن است که مانع مردم از انجام کار خیر شده و اموالی از بین می‌رود و مردم بیشتر به دنبال سود مادی می‌گردند تا رفتارهای نیک و قرض الحسنه و این خود منجر به فساد، ظلم و از بین رفتن ثروت (فقر) در جامعه می‌شود. (مطهری، ۱۳۹۹:ص ۱۷۸)

۷_۲ چالش حیل‌های شرعی فرار از ربا از منظر امام خمینی (ره)

در نهج البلاغه به نقل از حضرت علی (ع) آمده است: پیامبر خدا (ص) به وی فرمود: ای علی روزی رسد که این مردم دچار وسوسه اموال خود می‌شوند... و حرام آن را با شبه‌های دروغین و هواهای آشفته، حلال می‌گردانند و خمر و شراب را آب انگور و مال نامشروع را هدیه و ربا را خرید و فروش قلمداد می‌کنند و حلالش می‌گردانند. (حرعاملی، ۱۴۱۴ق)

امام خمینی هیچ یک از حیل‌های شرعی ربا را قبول ندارند، ولی یک مورد در ربای معاملاتی را استثناء می‌کنند و آن در جایی است که دو جنس مُماتل که یکی از نظر وزن بیش از دیگری است، از نظر قیمت نیز مساوی باشند؛ مثلاً در معامله یک کیلو گندم خوب، که قیمت آن یکصد تومان است با دو کیلو گندم نامرغوب، که قیمت آن نیز یک صد تومان است، ایشان معتقد است که انجام حیل، برای صحت چنین معامله‌ای جایز است. چون در واقع اینجا ربای صوری است نه ربای حقیقی؛ زیرا ربا همان طور که از معنای لغوی آن پیداست به معنای برتری و زیادی است و در فرض مسأله که برتری و زیادی قیمت وجود ندارد، ربای واقعی نیست، بلکه ربای صوری است، به همین جهت شارع مقدس در اینجا اجازه حیل و ضمّ ضمیمه را داده است.

نتیجه این که ایشان معتقد است که در بعضی از موارد فقط «صورت ربا» هست و واقعیت ربا نیست، در این گونه موارد حیل شرعی جایز است، ولی در مواردی که ربای حقیقی است، اعمال حیل شرعی به هیچ وجه مجاز نیست. (عسگری گیلانی، ۱۳۹۷) عین همین محتوای تخلص از حرمت ربا را مرحوم امام در کتاب البیع هم آورده است، ولی با این تفاوت که آنجا، دستش در تفصیل مطالب، باز است. این فتوا، حاصل تجدید نظر امام خمینی (ره) در مسأله است و قبل از آن، چنانچه در چاپ-های قدیمی تحریر الوسیله دیده می‌شود به نظر مشهور انتقاد نداشته است. (فیاض، ۱۳۹۸:ص ۱۲۳)

امام خمینی (ره) در توضیح المسائل نیز چنین آورده‌اند: «در کمتر جایی است که به اندازه ربا در قرآن و سنت به او اهمیت داده شده باشد و او را مطرود کرده باشد، و نکته‌اش هم این است که اگر ربا

رواج بگیرد، فعالیت کم می‌شود... از یک طرف ظلم است و از یک طرف بیکاری است.» (امام خمینی، ۱۳۶۲:ص ۴۲۵) ایشان همچنین در جلد اول تحریرالوسیله «الْقَوْلُ فِي الرَّبَا» چنین آورده‌اند: «ذَكَرُوا لِلتَّخْلِصِ مِنَ الرَّبَا وَجُوهًا مَذْكُورَةً فِي الْكُتُبِ وَقَدْ جَدَدْتُ النَّظَرَ فِي الْمَسْأَلَةِ فَوَجَدْتُ أَنَّ التَّخْلُصَ فِي الرَّبَا غَيْرُ جَائِزٍ بَوَجْهِ مِنَ الْوُجُوهِ... وَ أَمَّا التَّخْلُصُ مِنْهُ فَغَيْرُ جَائِزٍ مِنْ وَجْهِ الْحَيْلِ ذَكَرُوا لِلتَّخْلِصِ مِنَ الرَّبَا وَجُوهًا مَذْكُورَةً فِي الْكُتُبِ وَقَدْ جَدَدْتُ النَّظَرَ فِي الْمَسْأَلَةِ فَوَجَدْتُ أَنَّ التَّخْلُصَ فِي الرَّبَا غَيْرُ جَائِزٍ بَوَجْهِ مِنَ الْوُجُوهِ وَ الْجَائِزُ هُوَ التَّخْلُصُ مِنَ الْمُمَاتِلَةِ مَعَ التَّفَاضُلِ كَبَيْعِ مَنْ مِنَ الْحِنْطَةِ الْمَسَاوِي فِي الْقِيَمَةِ لِمَتَيْنِ مِنَ الشَّعِيرِ أَوْ الْحِنْطَةِ الرَّدِّيَّةِ فَلَوْ أُرِيدَ التَّخْلُصُ مِنْ مَبَايَعَةِ الْمُمَاتِلِينَ يُضْمَ إِلَى النَّاقِصِ شَيْءٌ فِرَارًا مِنَ الْحَرَامِ إِلَى الْحَلَالِ وَ لَيْسَ هَذَا تَخْلُصًا مِنَ الرَّبَا حَقِيقَةً وَ أَمَّا التَّخْلُصُ مِنْهُ فَغَيْرُ جَائِزٍ مِنْ وَجْهِ الْحَيْلِ»....

«برای تخلص و فرار از ربا، فقهای گذشته راه‌هایی را بیان کرده‌اند، اما من روی آن مبانی و روایات تجدید نظر نمودم و این‌طور دریافت کردم که ربا به هیچ وجهی درست نیست و هیچ کدام از راهها و حیل شرعی حجت ندارد و حرمت ربا در آن راهها باقی است.» (امام خمینی، ۱۳۷۹:ص ۵۳۸)

در چاپ‌های بعدی تحریرالوسیله که حکایت از فتوای جدید ایشان در مسئله حیل ربا دارد و بر خلاف فتوای سابق و نظریه مشهور می‌باشد بدین شرح است: فقهاء برای فرار از ربا، راه‌هایی را در کتب فقهی ذکر کرده‌اند، من در این مسأله تجدید نظر کردم و پس از مطالعه دوباره، به این نتیجه رسیدم که تخلص از ربا (از طریق این حیل‌ها) به هیچ وجه جایز نیست؛ آری، فرار از بیع مُمَاتِلِ با تَفَاضُلِ وزن یکی از آن دو، جایز است؛ مثل این که یک من گندم که از نظر قیمت مساوی با دو من جو یا دو من گندم نامرغوب است را اگر بخواهند معامله کنند، برای فرار از بیع مَثَلین، چیزی را به جنس کم وزن اضافه می‌کنند تا از حرام به حلال فرار کنند. البته این تخلص از ربا نیست (بلکه تغییر شکل معامله است و فرار از معامله مثل به مثل است پس حرمت ربا همیشه برقرار است و ما در واقع از ربا فرار نکردیم بلکه معامله را که مثل به مثل بود تغییر دادیم و عوض کردیم، و اما تخلص از ربا همان‌طور که گفتیم به هیچ یک از حیل‌هایی که گفته‌اند جایز نیست.» (امام خمینی، ۱۳۸۴:ص ۵۳۸)

مهمترین دلیل مبنی بر تحریم حیل‌ها از نظر امام، همان ادله اولیه تحریم رباست که در آن به مفسد متعدد این سنخ معاملات در روابط اجتماعی، تصریح شده است. از این‌رو، لازم نیست در خصوص ممنوعیت حیل‌ها، دنبال دلیل مستقل بگردیم بلکه کافی است همان آیات و روایات تحریم ربا را، بازخوانی نماییم. مطابق ظاهر برخی از این ادله، رباخواری به این خاطر تحریم شده که «موجب ظلم»، «فساد فی الارض»، «تباهی سرمایه‌ها»، «تعطیلی تجارات و معاش مردم»، می‌گردد و اتفاقاً، با اعمال حیل نیز این مفسد محفوظ و ملموس است و به تعبیر مرحوم آیت‌الله معرفت این مفسد از

لوازم ماهیت ربا هستند، و نمی‌توان به ادعای تعبد بر آنها، چشم پوشید؛ یعنی وقتی عقل مصلحت تحریم ربا را می‌فهمد و نیز می‌فهمد که حکم برخلاف آن چه اندازه فساد در پی دارد. نمی‌توان تزییع همان مصلحت و عمل بر ضد آن را بر محمل تعبد، توجیه کرد بلکه باید به لغویت تحریم ربا و یا تناقض در این تشریح، ملتزم گردید. این بدان می‌ماند که فروش قرآن کریم را به کافر حرام بدانیم اما هدیه‌اش را جایز و یا شرب خمر را حرام بدانیم اما استفاده از آن را به روش جاسازی در کپسول‌ها جایز، با این که علت حرمت بیع قرآن به کافر، تسلط کافر بر آن است نه بیع و به همین خاطر با تغییر عنوان، مسأله حل نمی‌گردد و همچنین، در حرمت خمر، علت اسکار آن است و با تغییر روش‌های استفاده، علت همچنان باقی است. (فیاض، ۱۳۹۸:ص ۱۲۷) پیش از آن که امام (ره) در مسأله تجدید نظر کند تنها مرحوم مقدس اردبیلی و مرحوم علامه مجلسی از عمل به روایات مجوز حیل شرعی در ربا، به صورت مجمل هشدار داده بودند که اولاً، بهتر است از تعمیم آنها به تمام شرائط، خودداری گردد و ثانیاً، برای حفظ شئون دینی از عمل به آنها مطلقاً، دوری گردد. (فیاض، ۱۳۹۸:ص ۱۲۳)

۸_ وجه التزام بانکی

وجه التزام، مبلغی است که بانک‌ها در قراردادهای خود آن را در برابر تأخیر مدیون از ادای دین به صورت اشتراط در ضمن قرارداد دریافت می‌کنند. در قسمتی از ماده دوم قرارداد فروش اقساطی در قبال توثیق سپرده‌گذاری آمده است: «در صورت تصفیه نشدن کامل بدهی در سررسید به علت تأخیر در تأدیه بدهی ناشی از این قرارداد از تاریخ سررسید تا تاریخ تصفیه کامل بدهی مبلغی به ذمه خریدار تعلق خواهد گرفت.» (حسینی، ۱۳۹۶:ص ۱۳۵)

درج جریمه دیرکرد مخالف مقتضای عقدهای بانکی نیست و دارای منفعت عقلایی؛ یعنی الزام مدیون به ایفای به موقع دین است. در مجموع طرفداران این دیدگاه دریافت جریمه تأدیه از مشتریان بدحساب را بر مبنای شرط کیفری مالی و به صورت شرط ضمن عقد، می‌دانند. نظر برخی از مراجع درباره اشتراط جریمه تأخیر به شرح ذیل است:

آیت‌الله موسوی اردبیلی باور دارد که «گرفتن دیرکرد با شرط قبلی ضمن عقد در مقابل عمل نکردن به تعهد پرداخت وام در وقت خود و تخلف از آن اشکال ندارد».

آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز باور دارد که «گرفتن اضافه بابت تأخیر پرداخت تأدیه جایز نیست، اگر به صورت شرط در عقد لازم قید شود، معتبر است».

وی در فتوای دیگری می‌نویسد: «اگر مفهوم شرط مذکور مجاز بودن مدیون در تأخیر ادای دین در مقابل دوازده درصد باشد، ربا و حرام است و اگر مقصود الزام مدیون بر ادای دین در رأس مدت

مقرر باشد که وجه التزام در مقابل عدم ادا باشد، ظاهراً اشکال ندارد.» (آهنگران و ملاکریمی، ۱۳۸۹:ص ۱۸۳)

آیت‌الله فاضل لنکرانی می‌نویسد: «شرط پرداخت خسارت اگر در ضمن عقد لازم، در صورتی که مقدور طرف باشد و حدود آن اگر چه تقریباً معین شود، ظاهراً بی‌اشکال است و دریافت آن در این فرض مانعی ندارد» (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۴، ص ۳۰۷).

از فتوای این بزرگوار به دست می‌آید که اشتراط جریمه با رعایت دو نکته جایز است: اشتراط آن در ضمن عقد لازم و معین بودن آن؛ اما آنچه که از اطلاق پاسخ آیت‌الله صافی گلپایگانی بر می‌آید؛ این است که درباره جریمه تأخیر، تفاوتی بین قرض و غیر قرض نیست؛ چرا که وی باور دارند بین شرط جریمه به عنوان وجه التزام و ربا در ماهیت تفاوت وجود دارد؛ زیرا هدف از آن الزام مدیون به ایفای به موقع دین است و وی در تأخیر بیشتر مجاز نیست. در فتوای وی، منظور از دوازده درصد، نرخ است که شورای نگهبان در مورخه ۶۱/۱۱/۲۸، برای جریمه تصویب کرده است؛ البته برخی از مراجع باور دارند در جهت عمل به احتیاط، باید دریافت جریمه تأخیر را به صورت شرط در ضمن عقد دیگری (عقد خارج لازم) شرط کرد تا به طور قطع از شمول ادله حرمت ربای قرضی خارج شود؛ زیرا دریافت مبلغ زیاده بابت تأخیر بدهکار در تأدیه به موقع بدهی، ممکن است شامل ادله حرمت ربای قرضی؛ یعنی دریافت زیاده در برابر تمدید مهلت شود. (آهنگران و ملاکریمی، ۱۳۸۹:ص ۱۸۳)

۹_ آراء فقها در باب بطلان توثیق دین

دیدگاه مشهور در زمینه توثیق دین بطلان آن است. دسته‌ای از فقها مثل مک‌عاملی، (عاملی، ۱۴۱۴:ص ۱۱۷) انصاری، (انصاری، ۱۴۱۸:ص ۳۲۹) حلبی، (حلبی، ۱۴۱۷:ص ۲۴۲) و نجفی (نجفی، ۱۳۹۴:ص ۱۱۶) بر این باورند رهنه باید عین معین باشد. در نتیجه توثیق دین را مطلقاً باطل می‌دانند. فقهای مزبور جهت اثبات ادعای خویش به دلایلی استناد می‌نمایند. اولین دلیل استنادی ایشان این است که عقد رهن عقدی عینی است و علاوه بر ایجاب و قبول نیازمند قبض می‌باشد. از طرفی قبض دین که مال کلی و غیر ملموسی است به لحاظ عدم امکان قبض و تحقق آن غیر ممکن است و در نتیجه عنصر سوم عقد رهن شکل نگرفته و توثیق واقع نمی‌گردد. دلیل دیگر برخی از فقهای مزبور این است که پذیرش صحت وثیقه دین با هدف از انعقاد عقد رهن و توثیق به نحوی در تعارض است. به نحوی که هدف از توثیق، حصول اطمینان جهت پرداخت طلب از محل رهنه است و این هدف صرفاً در اموالی که عین است تحقق می‌یابد نه با توثیقی که رهنه آن دین و طلب است.

بنابراین رهینه بایستی نسبت به دین اصلی از حیث وصول و اعتماد به وصول آن در درجه بالاتری باشد که در توثیق دین به لحاظ متعلق رهینه چنین اطمینان و اعتماد واقع نمی‌گردد. همچنین عده‌ای از فقها نجفی (نجفی، ۱۳۹۴:ص ۱۱۶)، آیت‌الله بجنوردی (بجنوردی، ۱۴۱۹:ص ۲۱) متمسک به آیات قرآن کریم و روایات می‌شوند که در زمره ادله استنباط احکام شرع قلمداد می‌گردند. به نحوی که آیه ۲۸۳ بقره در این زمینه می‌فرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ»^۱ همچنین فقهای اخیر به روایت و خبر «لا رهن الا مقبوضاً» متوسل شده‌اند که این روایت ظهور در عین بودن رهینه به لحاظ امکان قبض آن دارد. مضاف بر این موارد، برخی از فقهای شیعه همچون نجفی (نجفی، ۱۳۹۴:ص ۱۱۶)؛ و حلبی (حلبی، ۱۴۱۷: ص ۵۹۲) بر بطلان توثیق دین و عین معین بودن موهون به، ادعای اجماع نموده‌اند. (مجتهدسلیمانی و توکلی‌فر، ۱۳۹۸:صص ۱۴۱)

۱۰_ چالش‌های بانکداری اسلامی بدون ربا

بانکداری بدون ربا در ایران با گذشت سه دهه فعالیت توانسته است با بانک‌هایی که دارای نظام بانکی اسلامی هستند رقابت کند و حتی کارایی بالاتری نیاز داشته و پیشرفت‌های ستودنی به دست آورده‌اند اما هنوز هم قدرت رقابتی و عملیاتی این صنعت در سطح بین‌المللی محدود و اندک است و در مقابل نظام‌های قدرتمند و قدیمی متعارف بسیار جوان بوده و با مشکلات و چالش‌هایی روبرو است. مهمترین مشکلات کنونی این مؤسسه‌ها را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

- ۱) نبودن نظارت شرعی و فقدان چارچوب‌های قانونی نظارت و نهادی مناسب برای این کار.
- ۲) دارایی‌های ثابت و هزینه‌های پرسنلی بالا در مقایسه بانک‌ها که باعث کم شدن کارایی می‌شود.
- ۳) مشکلات عملیاتی مثل عدم مشارکت در سود و زیان که باعث کاهش درآمد و کارایی می‌شود.
- ۴) وجود اطلاعات انتخاب معکوس هزینه‌های مربوط به کنترل و نظارت. (Ibrahim et, al., 2010:18)

۱۱_ راهکار بانکداری بدون ربا

- ۱) ممانعت از خلق پول توسط بانک‌های عامل با واریز فوری سپرده‌های جاری به بانک مرکزی و بالأخره ایجاد شفافیت در نظام بانکی کشور با الکترونیک کردن کامل فعالیت بانکها و داد و ستدها و نظارت مستمر بانک مرکزی بر عملکرد بانکها از طریق سامانه جامع اطلاعات بانکی که در اختیار بانک مرکزی است و برخورد قاطع با تخلفات بانکها و مؤسسات اعتباری. (مصباحی‌مقدم، ۱۳۹۷:ص ۱۱۸)

^۱ اگر در سفر بودید و نویسندگی نیافتید وثیقه‌ای بگیرید.

- ۲) الگوی پیشنهادی برای رهایی از مشکلات مطروحه در بانکداری بدون ربای ایران چنین است که قرض الحسنه از حسابهای جاری و پس‌انداز حذف شده و راهکارهایی برای پرداخت سود به سپرده‌های پس‌انداز و پرداخت سود معین به سپرده‌های مدت‌دار ارائه شد. (حاتمی و امینی، ۱۳۹۵:ص ۱۷)
- ۳) حذف یا کاهش «سود علی‌الحساب» نسبت به سود نهایی سالانه بانک به عنوان مهمترین راهکار برای برطرف ساختن چالش‌های یاد شده و به دنبال آن، کاهش اقبال گسترده بخش عمومی غیردولتی به ایجاد بانک و مؤسسه مالی اعتباری، اعتبار سنجی مشتریان. (مصباحی-مقدم، ۱۳۹۷:ص ۱۱۸)
- ۴) به دلیل اینکه در بانک‌های اسلامی دوری از حقیقت ربا در عملیات بانکی اصل اولی و از ضروریات بانکداری اسلامی شمرده می‌شود. شناخت و آگاهی کامل از برخی مصداق‌های ربا کار کارشناسی دقیق و فقهی می‌طلبد. تشکیل هیئت یا شورای فقهی فعال در بانکداری بدون ربا که عهده‌دار این مسئولیت شود، به طوری که از ماهیت مباحث فقهی و بانکی به خوبی آگاه و بر مسائل مرتبط به آن تسلط کامل داشته باشند، سبب تحقق اعتماد عمومی به نظام بانکی می‌شود. (حاتمی و امینی، ۱۳۹۵:ص ۱۷)
- ۵) ارزیابی پروژه‌ها از نظر فنی و اقتصادی، اخذ وثائق با قابلیت نقد شوندگی، نظارت بانک بر مصرف تسهیلات، پیگیری قاطع پرداخت مطالبات بانک، اصلاح موضوع جریمه تأخیر، بازپرداخت بدهی‌های دولت به بانک‌ها، پرداخت بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و برقراری انضباط مالی. (مصباحی‌مقدم، ۱۳۹۷:ص ۱۱۹) برای حرکت به سمت بانکداری پیشرفته و کارآمد و روزآمد و همچنین به منظور افزایش کارایی بانکداری اسلامی در آینده و اختصاص بخشی از وجوه بانک‌های اسلامی برای مقابله با بروز بحران‌های مالی یا خطر کمبود نقدینگی یا ورشکستگی بانک‌های اسلامی، لازم است که به جهانی‌سازی بانکداری اسلامی با سهم شدن تمام کشورهای اسلامی توجه جدی شود. (حاتمی و امینی، ۱۳۹۵:ص ۱۷)
- ۶) تنظیم یک برنامه زمانبندی شده برای کاهش مطالبات جاری و واگذاری بنگاه‌های بانکها و ادغام بانکها و کاهش شعب آنها، واریز جرایم دیرکرد به حسابی در بانک مرکزی، برداشتن محدودیت استفاده از فروش اقساطی برای خرید همه انواع کالاها و خدمات و محدود کردن عقود مشارکتی به تأمین مالی بنگاه‌های بزرگ و قراردادن یک کرسی مدیریتی بنگاه در اختیار بانک. (مصباحی‌مقدم، ۱۳۹۷:ص ۱۱۹)

۱۲_ نقدینگی و سرمایه

از مهمترین انتقادهای وارد شده بر بانکداری اسلامی این است که به پول، فقط به صورت وسیله‌ای برای مبادله نگاه می‌شود، درحالی که بانک‌های سنتی بر نگهداری نقدینگی تأکید دارند و مقدار کافی نقدینگی را به صورت ذخیره در بانک‌های خود نگهداری می‌کنند. افزون بر این بانکداری اسلامی برمبنای اصول مشارکت در سود و زیان بنا شده است و به علت طبیعت تفکیک‌پذیری و برگشت-پذیری کمتری که این نوع سرمایه‌گذاری‌ها دارند، نسبت به بانک‌های سنتی از ریسک بالاتری برخوردار دارند و باید نقدینگی و ذخیره بیشتری داشته باشند. (اکبری‌ان و رفیعی، ۱۳۸۸: ص ۱۰۲)

از دیدگاه بانکداری اسلامی، مدیریت نقدینگی به توانایی بانک در تجهیز برنامه‌ریزی شده منابع و تأمین تقاضاهای موجه اطلاق می‌شود. بدین ترتیب، عوامل اساسی در مدیریت نقدینگی، شامل شناسایی تقاضای موجه نقدینگی و پاسخگویی مناسب، با توجه به زمان و هزینه تأمین نقدینگی است. توانایی یک بانک اسلامی در فراهم کردن نقدینگی، نیازمند نگهداری دارایی‌های مالی با قابلیت نقدشوندگی بالا و قابلیت جابه‌جایی سریع است؛ بدین ترتیب، نقد بودن و قابلیت نقل و انتقال، مهمترین اجزای چنین تعاملی هستند. نقد بودن دارایی بدین معناست که دارایی مالی باید در کمترین زمان (یک روز یا کمتر) در دسترس قرار گیرد، بدین منظور، بانک‌های اسلامی می‌بایست مقداری دارایی را به صورت نقد یا با سودآوری کم نگهداری کنند. بنابراین، بانک‌های اسلامی می‌خواهند ضمن پاسخگویی به نیازهای نقدینگی، حجم دارایی‌های کم‌بازده را به حداقل برسانند؛ و این درحالی است که رقابت روزافزون بانکها از یکسو، و برداشت سپرده‌ها به علت تفاوت نرخ‌های سوددهی در بخش‌های مختلف اقتصادی از سوی دیگر، تلاش برای بهینه کردن دارایی‌های غیرسودآور را تشدید می‌کند. (موسویان و کاوند، ۱۳۸۹: ص ۶۳)

۱۲_۱ علل توجه به مسئله نقدینگی بانک‌های اسلامی و راهکار

۱. کمبود بازارهای ثانویه برای دارایی‌ها..

۲. سررسید کوتاه مدت برخی سپرده‌ها.

۳. نبود قرض‌دهنده نهایی مانند بانک مرکزی در جهت رفع این مشکل.

راهکار: در جهت رفع این مشکل، راهکارهایی مطرح شده است. به طور مثال، به بحث مدیریت ریسک می‌پردازیم. جهت کاهش ریسک نقدینگی به طور معمول اگر بانک نتواند احتیاج‌های کوتاه مدت نقدینگی خود را از راه فروش گواهی‌های سپرده تأمین کند، با وثیقه‌گذاران قسمتی از دارایی‌های خود آن قدر منابع تجهیز می‌کند تا بتواند تعهدهای خود را به موقع بپردازد. درباره ریسک عملیاتی با استخدام کارمندان و پرسنل قابل اعتمادتر و با تجربه‌تر می‌توان آن را کاهش داد. برای ریسک بازار نیز باید از ابزارهای مهندسی مالی مالکیت (سرمایه‌گذاری مستقیم و مشارکت)، بدهی

(فروش اقساطی و اجاره به شرط تملیک) مشتقه (قولنامه و بیع الوفا) و ترکیبی (قولنامه خرید سهام) استفاده می‌شود. (اکبریان و رفیعی، ۱۳۸۸: ص ۱۰۳)

۱۳_ نظر مخالفان بانکداری اسلامی

به نظر مخالفان بانکداری اسلامی، اکثر ابزارهای سیاست‌گذاری سنتی بانک مرکزی، تحت بانکداری اسلامی غیر مؤثر واقع می‌شوند؛ که شامل این موارد هستند:

۱_ حداقل احتیاج‌های ذخیره نقدی. ۲_ احتیاج‌های نقدینگی. ۳_ سقف‌های اعتبار کل روی فعالیت‌های اعطای تسهیلات بانکها. ۴_ هدف‌های اجباری تأمین مالی بخش‌های خاص اقتصاددانان اسلامی. راهکار:

۱. عدم لزوم نگهداری ذخیره قانونی در بانکداری اسلامی. ۲. لزوم نگهداری صددرصد ذخیره قانونی برای سپرده‌های جاری. ۳. نظام نسبت ذخیره قانونی جزئی. ۴. نظام نسبت ذخیره قانونی جزئی ویژه. (اکبریان و رفیعی، ۱۳۸۸: ص ۱۰۵)

۱۴_ جهت کنترل حجم پول بانک‌های اسلامی

جدول شماره ۳^۲

راهکارهای جایگزین جهت کنترل حجم پول بانک‌های اسلامی	
۱:	بانک مرکزی می‌تواند از راه مضاربه یا شرکت با بانک‌های سپرده‌پذیر اسلامی، وجه‌های مورد نیاز بانکها را در مواقع کمبود نقدینگی در اختیار آنان قرار دهد.
۲:	بانک مرکزی می‌تواند بخشی از سپرده‌های سرمایه‌گذاری بانکها را به صورت ذخیره قانونی نگه داشته، در مواقع کمبود نقدینگی، به صورت قرض‌الحسنه در اختیار بانکها قرار دهد.
۳:	بانک مرکزی می‌تواند هنگامی که بانکی با کمبود نقدینگی روبه‌رو می‌شود، به وی قرض‌الحسنه بدهد به این شرط که پس از اتمام مشکل نقدینگی آن بانک (افزون بر ادای قرض خود) همان مبلغ را در همان مدت به بانک مرکزی قرض‌الحسنه بدهد.
۴:	بانکهای اسلامی می‌توانند صندوق مشترکی نزد بانک مرکزی پدید آورند و هر بانک، درصدی از سپرده‌های جاری و پس‌انداز خود را در این صندوق نگه دارد تا وقتی با مشکل کمبود نقدینگی روبه‌رو شد بتواند از این صندوق قرض‌الحسنه بگیرد.
۵:	در مطالعه‌های جدید برخی از محققان بانکداری اسلامی، روش خاصی برای عملیات تنزیل مجدد پیشنهاد داده‌اند که بر اساس آن بسته‌های اسناد مالی تنزیل شده نزد بانک‌های تجاری، نزد بانک مرکزی تنزیل می‌شوند بر این اساس، می‌توان از منابع بانک مرکزی برای تأمین کسری بانک‌های تجاری استفاده کرد.

^۲ اکبریان و رفیعی، ۱۳۸۸

۱۵_ راهکارهای فقهی برای رفع معاملات ربوی

راهکار اول: فروش مدت دار پول، به بیشتر از مبلغ آن. در این راه به جای قرض ربوی، مثلاً صد دینار نقد را با مدت شش ماه، به صد و بیست دینار می‌فروشد. از آنجا که پول‌ها در این زمان، از جنس طلا و نقره نیستند، معامله با آنها مشمول بیع ربوی نمی‌شود. با این راهکار، ربا دهنده در قرض ابتدایی، هم به مقصودش (سود) می‌رسد و هم از ربا فرار می‌کند. حتی هرگاه بدهکار نتواند در سررسید، دین خود را بپردازد، تا قرض دهنده از آن سود ببرد، وی می‌تواند سود پولش را به دست آورد. یعنی در ضمن بیع شرط کند که در مقابل هر ماهی که پرداخت قرض به تأخیر افتاد، مبلغی از مال را به عنوان دیرکرد بپردازد. این شرط، مشروع است. زیرا کسی که چیزی را می‌فروشد، می‌تواند شرط کند که در هرماه، خریدار درهمی به فروشنده بپردازد. در اینجا هم قرض دهنده همان شرط را کرده، جز آن که شرط مزبور، به عدم پرداخت بدهی مقید شده است.

راهکار دوم: قرار دادن جعاله در قرض دومین راهکار کلی برای رفع معاملات ربوی، این است که جعاله در ضمن قرض قرار گیرد. مثلاً شخصی بگوید: هرکس فلان مقدار مال به من قرض دهد، فلان مقدار برای وی هست، به گونه‌ای که زیاده در مقابل عمل اقراض باشد، نه در مقابل مال تا ربا شود. اگر جعاله به سببی باطل فرض شود و قرض صحیح باشد، مستحق زیاده نیست.

راهکار سوم: راهکار سوم قرض‌های ربوی ممکن است از این راه، راهکار سومی برای قرض‌های ربوی به وجود آید که بتوان با آن، اقتراض از بانک با دادن سود را تصحیح کرد و به دو راهکار سابق اضافه نمود. به این صورت که گفته شود: صاحب بانک و دیعه نزد خود را که مالش است، قرض دهد و شرط سود برای صاحب مال نکند تا ربا شود، بلکه برای خود که شخص بیگانه است، شرط کند، درحالی که ربا شرط زیاده برای خود صاحب مال است. بنابراین صاحب مال به قانون «لکم رؤوس اموالکم لا تظلمون و لا تظلمون رؤوس اموالتان برایتان است. نه ستم کنید و نه زیر ستم بروید» عمل کرده است. (صدر، ۱۳۹۰: ص ۲۳۰)

نتیجه

مقررات پولی و بانکی کشور از جمله قانون عملیات بانکی بدون ربا، آیین‌نامه اعطای تسهیلات و دستورالعمل اجرایی مشارکت مدنی، مبین این است که بانک و طرف مقابل با انعقاد قرارداد مشارکت مدنی، توافق می‌کنند شرکت مدنی برای انجام موضوع معین تاسیس شود. در این شرکت که دارای حساب مستقل از حساب طرفین است، سهم‌الشرکه مشخص و سهم سود ناشی از فعالیت واقعی اقتصادی که به‌طور معمول، طرف مقابل با بانک عهده‌دار مدیریت آن است، به حساب مشترک مدنی واریز می‌شود. اگر چه صندوق‌های اعتباری با حفظ ضوابط اسلامی، به صورت پراکنده در کشور به وجود آمده بود. با اینهمه انتظار این بود که اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا در همه بانک‌ها موجب ریشه‌کن شدن ربا شود و بانکداری بدون ربا به صورت کارآمد در خدمت پیشرفت اقتصادی کشور عمل کند؛ اما متأسفانه از آغاز اجرای این قانون، نظام بانکی با مشکلاتی روبه‌رو شد که با گذشت بیش از سی سال نه تنها کم نشده، بلکه بر آن افزوده شده است. درباره اسلامی کردن بانک‌ها مطالعاتی صورت گرفت که به اقداماتی برای حذف ربا انجامید و عناوینی همچون کارمزد و سود تضمینی جایگزین بهره بانکی شد. از مهمترین انتقادهای وارد شده بر بانکداری اسلامی این است که به پول، فقط به صورت وسیله‌ای برای مبادله نگاه می‌شود، درحالی که بانک‌های سنتی بر نگهداری نقدینگی تأکید دارند و مقدار کافی نقدینگی را به صورت ذخیره در بانک‌های خود نگهداری می‌کنند. افزون بر این بانکداری اسلامی بر مبنای اصول مشارکت در سود و زیان بنا شده است و به علت طبیعت تفکیک‌پذیری و برگشت‌پذیری کمتری که این نوع سرمایه‌گذاری‌ها دارند، نسبت به بانک‌های سنتی از ریسک بالاتری برخوردارند و باید نقدینگی و ذخیره بیشتری داشته باشند. قانون عملیات بانکی بدون ربا، تعیین میزان حداقل و حداکثر کارمزد قرض‌الحسنه را برعهده بانک مرکزی گذاشته است (ماده ۲۰، بند ۴). این میزان در دستورالعمل موجود بانکداری جمهوری اسلامی ایران، حداقل ۲/۵ درصد و حداکثر ۴ درصد است، مشروط بر اینکه از هزینه‌های تجهیز و تخصیص منابع قرض‌الحسنه تجاوز نکند تحریم مؤکد ربا مبتنی بر پیامدهای اجتماعی، اقتصادی آن است؛ فرقی نمی‌کند این مفاسد علت حکم باشد و یا حکمت آن. این پیامدها با اعمال حيله هم از بین نمی‌روند؛ یعنی نمی‌شود با افزودن چیزی و یا تغییر عنوان لفظی، ماهیت ربا را تغییر داد؛ همچنین در نتیجه، تحریم ربا و تجویز آن با حيله و حفظ پیامدهای فاسدش، یا مستلزم لغو تشریح حرمت رباست و یا تناقض در آن. امام درمورد حيله در این باب، که ربا را غیر ربا کنند، بیان داشتند که در واقع از ربا فرار نکردیم بلکه معامله را که مثل به مثل بود تغییر دادیم و عوض کردیم، و اما تخلّص از ربا به هیچ یک از حيله‌هایی که گفته‌اند جایز نیست.

منابع

- ۱) آهنگران محمدرسول، ملاکریمی-خوزانی فرشته، (۱۳۸۹) فقهی و حقوقی وجه التزام بانکی، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال دهم، شماره ۴۰، زمستان ۱۳۸۹
- ۲) انصاری، زکریا بن محمد بن احمد بن زکریا، (۱۴۱۸)، فتح الوهاب، جلد ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه
- ۳) اکبریان رضا، رفیعی حمید، (۱۳۸۸) بانکداری اسلامی؛ چالش‌های نظری-عملی و راهکارها، فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی سال هفتم شماره ۲۶ تابستان ۱۳۸۸
- ۴) بیدار محمد، (۱۳۹۱) بررسی کارمزد قرض‌الحسنه و شیوه‌های محاسبه آن در بانکداری اسلامی سال چهارم، شماره اول، پیاپی هفتم، پاییز و زمستان ۱۳۹۱، صص ۹۷-۱۱۴
- ۵) حاتمی صدیقه، امینی راضیه (۱۳۹۵) ماهیت فقهی حقوقی سپرده‌ها در بانکداری ربوی و بدون ربا، اولین همایش ملی بانکداری اسلامی
- ۶) حسینی سیدامراه، (۱۳۹۶) ضوابط شروط ضمن قرارداد؛ (وجه التزام بانکی). فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، سال هفدهم شماره ۶۶ : تابستان ۱۳۹۶
- ۷) حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵) جامع الشرائع، مؤسسه سید الشهداء العلمیه، قم، ۱۴۰۵ق، چاپ اول، صص ۲۸۳
- ۸) خمینی، (۱۳۸۹) تحرالوسیلله ترجمه، ج ۱، صص ۷۴۳.
- ۹) خمینی (ره) (۱۳۶۲) توضیح-المسائل، جلد ۶، صص ۴۲۵-۴۲۶
- ۱۰) خادمان محمود، (۱۳۹۸) فقه امامیه و بانکداری اسلامی دوره ۲، شماره ۴، شماره پیاپی ۴ مهر ۱۳۹۸
- ۱۱) حر عاملی، (۱۴۱۴ق) وسائل الشیعه ج ۱۸
- ۱۲) حلبی، حمزه بن علی بن زهره، (۱۴۱۷) غنیه‌النزوع الی علمی الاصول والفروع، تحقیق شیخ ابراهیم بهادری، مؤسسه امام صادق، ج ۲
- ۱۳) حر عاملی، (۱۴۱۴ق) وسائل الشیعه ج ۱۲
- ۱۴) خمینی (ره)، (۱۳۸۴) تحریر الوسیله ج ۱، مسئله هفتم صص ۵۳۸
- ۱۵) خمینی (ره)، (۱۳۷۹) تحریر الوسیله ج ۱
- ۱۶) جوادی امیر (۱۴۰۱) مفهوم قراردادهای بانکی در ایران، سایت حقوقی دکتر جوادی، حقوق بانکی
- ۱۷) فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۴) جامع‌المسائل، امیرالعلم
- ۱۸) قاسم‌زاده مرتضی، (۱۳۹۸) خرید دین در نظام بانکی ایران، دیدگاه‌های حقوق قضایی بهمن، دوره ۲۴، شماره ۸۵، بهار ۱۳۹۸، صص ۷۷ تا ۹۵
- ۱۹) قاسمی عباس، حسین‌آبادی حامد امیر، حسینی‌پویا سیدمحسن، (۱۳۸۶) ارکان و شرایط صحت شرط خسارت قراردادی وجه التزام در قراردادهای بانکی، فصلنامه تحقیقات حقوقی شماره ۸۶
- ۲۰) کیقبادی سعید، عباس عرب‌مازار، (۱۳۸۵) جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران جایگاه قرض‌الحسنه در نظام بانکی ایران، سال ششم/تابستان ۸۵
- ۲۱) ناجی مهدی (۱۳۹۸) بررسی عقد قرض به عنوان یک قرارداد سودآور در بانکداری اسلامی تحقیقات اقتصادی، دوره ۵۴، شماره ۲، تابستان ۹۸، صص ۴۸۵-۴۶۵

- ۲۲) لشکری محمد، حسینی سید محمد، معدنی محمدعلی (۱۳۹۴) بررسی موضوع ربا در قراردادهای «قرض الحسنه» رایج در سیستم تأمین مالی ایران، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی ۱۳۹۴، صص ۵۲-۳۹
- ۲۳) فیاض محمدصادق، (۱۳۹۸) چالش حيله های شرعی فرار از ربا در نظام فقهی امام خمینی، نشریه گفتمان فقه حکومتی، سال سوم، شماره پنجم، پاییز ۹۸
- ۲۴) فرهادی نژاد سعیده (۱۴۰۱) قرارداد بانکی و انواع آن، امور بانکی و انواع آن، سایت وکیل امور بانکی
- ۲۵) مکی عاملی، شمس‌الدین محمد بن مکی (شهید اول)، (۱۴۱۴)، الدروس الشرعیه فی الفقه امامیه، ج ۳ و ۴، موسسه نشر اسلامی.
- ۲۶) مجتهد سلیمانی، ابوالحسن، توکلی فر محمد (۱۳۹۸) اعتبارسنجی توثیق دین در فقه امامیه، حقوق ایران، فصلنامه علمی پژوهشی تعالی حقوق، شماره ۳، بهار ۹۸
- ۲۷) مصباحی مقدم، غلامرضا. (۱۳۹۷). چالش‌های بانکداری بدون ربا در ایران (راهکارهای برون رفت) اقتصاد اسلامی
- ۲۸) موسویان سیدعباس، کاوند مجتبی، (۱۳۸۹) مدیریت نقدینگی در بانکداری اسلامی معرفت اقتصادی، سال دوم، شماره اول، پیاپی سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۹
- ۲۹) هادوی تهرانی، مهدی، (۱۳۸۷) مؤسسه عالی بانکداری؛ مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات بانکداری اسلامی، تهران، خورشید، ۱۳۷۸، چاپ اول.
- ۳۰) موسویان عباس، کشاورزبان اکبر (۱۳۹۸). مبانی فقهی و موضوع شناسی کارمزد قرض الحسنه در نظام بانکی ایران، فصلنامه علمی اقتصاد اسلامی، مقاله علمی پژوهشی، سال بیستم، شماره ۷۸، تابستان ۹۹ مطهری مرتضی، (۱۳۹۹). مسئله ربا و بانک به ضمیمه مسئله بیمه، نشر صدرا، تهران.
- ۳۱) نوری میرزا حسین، (۱۳۲۰ ق) انظر الوسائل «ال بیت» ۲۹، ج ۲، باب ۲۵، صص ۳۲۸-۳۲۹
- ۳۲) عسگری گیلانی حکیم، (۱۳۹۷) قرض الحسنه و ربا از دیدگاه حضرت امام خمینی (س)، برگرفته از سایت حکیم عسگری گیلانی، اتیر، ۹۷ صدر، سید محمد باقر. (۱۳۹۰). بررسی فقهی احکام بانک ۱، فقه، شماره ۷۰، صص ۱۹۴، ۲۳۱
- ۳۳) ی. ونسنگ، (۱۹۳۶) معجم الفهرس لا لفظ الحدیث النبوی، جزء الثاني، صص ۲۱۶
- ۳۴) ahmodi asghar, sultan Ahmadi jalal, Babai Qadir, Contract for the formation of a bank account in Iranian law and comparative Journal: Jurisprudence views, Year :1398, Volume:24, Issue:85, Start Page:145, End Page:167
- ۳۵) Abdelgadir, Ibrahim and Abdelgadir, Abdalla. 2010. "Scale and Technical Efficiency of Islamic Banks in Sudan: Data Envelopment Analysis, Working paper in MPRA.